

تقریر دفتر استاد سید کاظم مصطفوی «زید عزه العالی» از درس خارج فقه
استاد سید کاظم مصطفوی؛ 1393/07/26



موضوع: شرط ورود آب قلیل به متنجس
سید طباطبایی یزدی قدس الله نفسه الزکیه فرمودند که در تطهیر به آب قلیل شرط است ورود ماء بر شیء متنجس. بنابراین اگر شیء متنجس به آب وارد بشود، تطهیر صورت نمی گیرد، باید آب روی شیء متنجس ریخته شود نه اینکه شیء متنجس داخل آب قلیل گذاشته شود. مثلاً ظرف آب قلیلی است، دستمال متنجسی است و داخل آن آب گذاشته شود، تطهیر به عمل نمی آید اما اگر دستمال نجسی است در دست هم آب قلیل و در ظرف است، آب را بریزید روی آن دستمال متنجس، تطهیر صورت می گیرد. بنابراین شرط در صحت تطهیر به وسیله آب قلیل ورود آب بر شیء متنجس است.

ادله آن شرط

اما شرح مسئله و ادله آن: صاحب جواهر قدس الله نفسه الزکیه این شرط را مورد بررسی قرار داده، می فرماید: اقوی اشتراط ورود ماء بر شیء متنجس است و این اشتراط رأی ای است مطابق با مشهور و موافق با آراء شیخ طوسی در خلاف و محقق حلی در معتبر. و می فرماید: فقیه حلی در سرائر می فرماید این اشتراط مورد اجماع است. بعد ایشان می فرماید: «بل لم اعرف من جزم بخلافه مطلقاً»، بلکه خلاقی در مسئله دیده نمی شود [1].

اولین مخالف شرط شهید در ذکری است

و می فرماید: اولین فقیهی که در این رابطه یعنی درباره این اشتراط مناقشه کرده است شهید است، شهید قدس الله نفسه الزکیه در ابتداء می فرماید: «العاشر الظاهر اشتراط ورود الماء»، دلیل آن را هم بیان می کند «لقوته بالعمل»، ظاهر این است که شرط است وارد شدن ماء بر متنجس به جهت توانمندی و قوت این آب برای عمل تغسیل. در شکل ورود عمل تغسیل قوت و توانایی بیشتری دارد، اگر شیء نجس داخل آب وارد بشود، آب

توانایی و قدرت تغسیل ندارد. قوت عمل یعنی قوت عمل تغسیل در شکل ورود. بعد ادامه می دهد، می فرماید: این ورود شرط است در غیر اوانی اما در اوانی ظروفی که مثلاً ظرفیت و جو آن طوری باشد که آب وارد نمی شود و باید آب داخل ظرف گردانده شود و بعد خارج گردد، در مثل اوانی می فرماید: این کار ممکن نیست. در اینجا که ممکن نیست به همان شکلی که ممکن است، اکتفاء خواهد شد. آب را داخل ظرف قرار بگیرد و بعد بیرون بیاندازید. بعد در آخر می فرماید: مع آن عدم اعتباره مطلقاً متوجه، با اینکه عدم اعتبار اشتراط ورود خالی از وجه نیست. بعد می فرماید: روایت حسن بن محبوب موید این مطلب است [2]. روایت حسن بن محبوب عبارت است از محمد بن الحسن باسناده عن الحسن بن محبوب، اسناد شیخ به حسن بن محبوب است. حسن بن محبوب که از اصحاب اجماع است، سند درست است ولی این را در ذکری به عنوان خبر آورده، شاید اصطلاح جدید رجالی این نباشد. اصطلاح جدید و متداول این است که اگر روایت سندش اعتبار نداشت، از آن روایت تعبیر می شود به خبر یا روایت. «قال سالت ابا الحسن علیه السلام عن الجصّ یوقد علیه بالعذره و عظام الموتی ثم یجصص به المسجد أیسجد علیه فکتب الی بخطه ان الماء و النار قد طهراه» [3]. گچی که داخل کوره آجرپزی قرار داده می شود، آنجا نجاست عذره، استخوان های میته، در کوره گچ مورد استفاده قرار می گیرد، این جصّ که از آن مواد استفاده می کند، چه حکمی دارد؟ مسجد که گچ بشود، به آن گچ می شود سجده کرد، پاک است؟ امام فرمود آب و آتش پاک می کند آن متنجس. استدلال به این صورت است که متنجس عذره و عظام وارد می شود داخل آتش و آب و روی آن نمی ریزد. این نجاست و متنجس ها وارد آن مطهرها می شود. از این استفاده می کنیم که اصل ورود شرط نیست. این را هم شهید اضافه می کند در جهت اثبات این مطلب که اشتراط ورود از اساس دلیل ندارد. صاحب جواهر قدس الله نفسه الزکیه می فرماید: این حدیث دلالتش کامل نیست. متن مجملی دارد در این جهت، در جهت ورود و مورد متن اجمال دارد. آنچه که از این حدیث استفاده می شود مطهریت آب و آتش است و حدیث هم در جهت مطهریت است نه در جهت بیان کیفیت که ورود از سوی آب و آتش باشد یا از سوی متنجس. متن کافی نیست، دلالتش بر مطلوب کافی نیست. بعد می فرماید: از بیان شهید به طور کل نفی اشتراط اعلام نمی شود، چون در ابتداء فرمود: «الظاهر اشتراط الورد لقوته بالعمل» بعد استثناء کرد اوانی را و بعد حدیث را گفت که تنبیهی دارد و دلالتی دارد بر مطلوب. دلالت حدیث که کامل نبود، کلام شهید هم یک کلام جازمی نیست که بگوید اصلاً اشتراط ورود از اساس دلیل ندارد. بنابراین «لم اعرف من جزم علی خلاف هذا الاشتراط». بعد از بیان مطلب با عبارت دیگری اشتراط را اعلام می فرماید: «و کیف کان فلا ریب أن المشهور و الاقوی الاشتراط». شک در آن نیست که مشهور و اقوی از لحاظ ادله اشتراط ورود است. للاستصحاب، شک می شود در رفع نجاست، شک در رفع نجاست استصحاب نجاست جاری است و ارکان استصحاب هم تمام است. مضافاً بر اینکه در اینجا مسئله می شود از موارد شک در تطهیر است و شک در تطهیر هم مساوی با عدم تطهیر است که تطهیر باید احراز بشود. و بعد هم روایات وارد درباره صبّ الماء، منظور از صبّ الماء یعنی آب را بریزید روی شیء متنجس. که آن روایات در کتاب وسائل جلد 2 باب 3 از ابواب نجاست حدیث شماره 3 و 4 و 7 درباره صبّ ماء نسبت به تطهیر آمده که فقیه همدانی می فرماید: روایات در حد

استفاضه است و از این روایات صَبّ یک عنوان استخراج می کند.

فرق بین تواتر و استفاضه

و ما گفتیم که علی التحقیق روایات مستفیضه موجب حصول علم تعبیدی می شود. فرق بین تواتر و استفاضه در نتیجه این است که تواتر موجب علم وجدانی می شود و استفاضه موجب اطمینان و اطمینان هم در اصول عبارت است از علم تعبیدی. از لحاظ سند مستفیضه است و از لحاظ دلالت هم صب الماء که ریختن آب روی متنجس ورود است دیگر، بدون تردید. بعد می فرماید: دلیل سوم ظهور بعض از روایات به نجاست شیء متنجس که وارد بشود بر آب قلیل. اگر جسم متنجس به آب قلیل وارد بشود و آب قلیل مورد ورود باشد، متنجس می شود. این روایت را می فرماید که ظهور دارد در اینکه آب قلیل اگر مورد ورود باشد، نجس خواهد بود. و بالاسناد عن العیص «قال سالت ابا عبد الله علیه السلام هل یغتسل الرجل و المرأة من اناء واحد» که در حالت جنابت باشند. «فقال نعم یفرغان علی ایدیهما قبل أن یضعا ایدیهما فی الاناء» [4]، این محل استشهاد است. آب را بریزد رو دست شان قبل از آنکه دست شان را ببرند داخل ظرف. دلالتش ظهور دارد بر اینکه آب وارد بر متنجس باشد. متنجس که دستش آلوده شده، داخل ظرف وارد نشود. بعد از این استدلال می فرماید: «و من هنا القول باعتبار الورود لازم». قولی به اشتراط ورود لازم است. در پایان به یک دلیلی دیگری هم اشاره می کند که تنها در جواهر برخورده ایم و در جای دیگر این دلیل مورد استناد قرار نگرفته است. و در عین اینکه این اشتراط مورد اجماع است، نه به این معنا که اشتراط اجماعی است، صحت تطهیر در شکل ورود ماء بر متنجس مورد اجماع است و ما با داشتن اصل و قواعد تنجیس و غیره به آن مورد مجمع علیه باید اکتفاء کنیم. و دلیل آخری که ایشان فقط ذکر کرده و للسیره، دلیل نهایی ما هم سیره است. سیره متشرعه که ملاحظه بشود، می بینیم که در تغسیل آب را بر متنجس وارد می کنند نه اینکه متنجس را داخل آب بگذارند، این سیره است. سیره در تعامل های عرفی به طور کامل باشد اعتبار دارد ولی اثبات آن کار مشکلی است اما اگر ناقص باشد و اغلب باشد، اعتبار ندارد.

سوال: آیا سیره ثابت است

جواب: صاحب جواهر می گوید سیره متشرعه بر این است که در تغسیل شیء متنجس به وسیله آب قلیل آب را روی شیء متنجس می ریزند و این سیره استمرار دارد تا زمان معصوم و امضاء هم شده است و از اعتبار برخوردار است. اشکالی که اینجا وجود دارد این است که سیره در مورد تعاملات عرفی اگر ادعاء بشود، آن سیره اعتبار دارد که کامل باشد و کامل آن قابل اثبات نیست و ناقص آن هم اعتبار ندارد.

تحقیقی بر اشتراط بر اساس رأی فقیه همدانی

محقق همدانی می فرماید: درباره اشتراط دو قول وجود دارد، گفته می شود که هر دو رأی مشهور باشد. یک اشکال و یک جواب: می شود دو تا قول مشهور باشد؟ جواب این است که اجماع در یک مسئله به طور متضاد امکان ندارد اما شهرت امکان دارد. در دید ابتدائی دو

قول را می توانیم مشهور بگوییم ولی در دید دقیق یکی اشهر می شود و دیگری مشهور. منتها آنچه که ثابت است، شهرتی است که درباره اشراط ورود به ثبت رسیده است.

سوال: تا چه حد فتوا باشد تا بگوییم مشهور است؟

جواب: ما در مشهور یک محدود ه ها در فقه و اصول که اینها به عنوان مشهور پیش فقهاء ثبت شده. مشهور فقه متن لمعه و شرائع است، مشهور اصول قوانین الاصول و فصول است. مطلب دیگر معنای مشهور این است که از حداقل جمع حتما بالا باشد، و در بین صاحب نظران اظهار نظر ابتدائی موافق با آن رأی باشد. اما ادله ای که در این رابطه مورد استناد قرار می گیرد، همان ادله ای که صاحب جواهر فرمود با یک اضافاتی، می فرماید: 1. اصل، منظور از اصل همان استصحابی که گفته شد. 2. انصراف اوامر تغسیل به غسلی که شکل ورود داشته باشد. یک شیء متنجس را داخل ظرف آب را بیاندازید این را غسل نمی گویند، آب را روی شیء نجس بریزید. تغسیل انصراف دارد به غسل در شکل ورود ماء. 3. قاعده فقهی انفعال ماء قلیل یعنی آب قلیل با ملاقات با نجس منفعّل می شود. فقط شکل واردش را استثناء بکنیم، اما صورت ورود آن مشمول قاعده است. 4. قاعده کل نجس منجّس، آن نجسی که در شیء متنجس وجود دارد، آن منجس هم است. آب قلیل که قابل انفعال است، با ملاقات در صورتی که شیء متنجس وارد بشود، نجس می شود. 5. قاعده عدم جواز تطهیر به شیء نجس. آب قلیلی که مورود باشد، نجس شده، تطهیر به وسیله نجس جایز نیست. 6. مستفیضه صبّ الماء که ایشان روایات وارد درباره صبّ الماء را مستفیضه اعلام می کند. از این قواعد چیزی که استثناء شده است آبی است که برای تطهیر به کار برود و وارد باشد. اگر این را استثناء نکنیم عسر و حرج، و آب قلیل دیگر قابل استفاده نیست. بالاجماع و الضروره این مورد استثناء شده است که آب قلیل وارد بشود ملاقاتش باعث تنجیس آن نمی شود. اگر ملاقاتش در حین تغسیل موجب تنجیس بشود، دیگر آب قلیل مطهر نیست و باعث عسر و حرج می شود [5]. دلیل هفتم که قاعده تغلیب است، سیدنا الاستاد قدس الله نفسه الزکیه می فرماید: قاعده تغلیب. چون اغلب تغسیل ها به شکل ورود است و قاعده تغلیب هم تاثیرگذار، بنابراین طبق قاعده باید تغسیل به شکل ورود ماء صورت بگیرد [6]. و شرح قاعده تغلیب و دلیل اعتبار قاعده تغلیب در جلسه آینده.

[1] جواهر الکلام، شیخ محمد حسن نجفی، ج 6، ص 156 تا 158.

[2] الذکری، شهید اول، ج 1، ص 15.

[3] وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، ج 2، ص 1100، ابواب نجاسات، ب 81، ح 1، ط اسلامیه.

[4] وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، ج 1، ص 168، ابواب اسئار، ب 7، ح 1، ط اسلامیه.

[5] مصباح الفقیه، فقیه همدانی، کتاب طهارت، ص 605.

[6] التتقیح فی شرح العروه الوثقی، سید ابوالقاسم خویی، ج 4، ص 15.